



## مدیریت جنبش‌های اجتماعی در ایران

### تعریف جنبش‌های اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی که آن را به‌عنوان یکی از نمودهای زندگی بشر در دوران مدرن قلمداد می‌کنند، مجموعه‌ای از بازیگران هستند که می‌خواهند با کنش و اقدامات خود بر مراجع تصمیم‌گیرنده تأثیرگذار باشند. گیدنز جنبش‌های اجتماعی را یکی از انواع کنش‌های جمعی برای دست یافتن به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه می‌داند. (۱) همچنین آلن تورین نیز ضمن توجه به تغییرات فرهنگی ناشی از عوامل گوناگون و وجود تضادهای متنوع در ابعاد مختلف زندگی بشری در جامعه مدرن، جنبش‌های اجتماعی را محصول تقابل بین نظم موجود و تحولات فرهنگی می‌داند. (۲)

درمجموع به عقیده نگارنده، جنبش اجتماعی به این معنی است که گروهی از افراد به‌گونه‌ای سازمان‌یافته (خودآگاه یا ناخودآگاه) برای تغییر و یا حتی حفظ برخی از عناصر جامعه تلاش کنند. البته باید توجه داشت که جنبش‌های اجتماعی با رفتارهای ساده اجتماعی تفاوت‌هایی دارند که آن‌ها را متمایز می‌کند. رفتارهای ساده اجتماعی پیچیدگی یک جنبش اجتماعی را از نظر شبکه درهم‌تنیده روابط و رفتارهای منسجم آگاهانه یا ناآگاهانه را ندارند. همچنین جنبش‌های اجتماعی با اعتراضات اجتماعی نیز تفاوت‌هایی دارند به‌طوری‌که در جنبش‌های اجتماعی مجموعه‌ای از کنش‌گران و بازیگران به‌صورت خواسته یا ناخواسته درگیر می‌شوند و یک جنبش با خاصیت بسیار آرام‌تر و خاموش‌تری نسبت به یک اعتراض اجتماعی صرف، به مقاومت اجتماعی می‌پردازد. (۳)

پس درمجموع می‌توان گفت برای مطالعه جنبش‌های اجتماعی لازم است به امروزه در جامعه ایرانی با نکات زیر دقت شود:

- جنبش‌های اجتماعی در بستر تغییرات اجتماعی به وجود می‌آیند که یا خواستار تغییر هستند و یا می‌خواهند در برابر تغییرات بایستند.
- جنبش‌های اجتماعی در چهارچوب اعتراضات سیاسی (<http://npps.ir>) اجتماعی نامید. <http://ArticlePreview.aspx?id=172042> شکل می‌گیرند اما با اعتراضات سیاسی تفاوت دارند.

○ پایه و بنیاد جنبش‌های اجتماعی بر مبنای مقاومت شکل می‌گیرد به این معنی که برای مقاومت نسبت به یک مسئله پدید آمده و رشد می‌کنند.

نکته مهم دیگر در بررسی جنبش‌های اجتماعی، لزوم تفکیک میان جنبش‌های اجتماعی سنتی و جنبش‌های اجتماعی مدرن است. با توجه به ویژگی‌های زندگی در عصر ارتباطات و پیامدهای آن، جنبش‌های اجتماعی نوین نیز تفاوت‌های برجسته‌ای با جنبش‌های اجتماعی سنتی دارند.

### انواع جنبش‌های اجتماعی در ایران

#### الف: جنبش‌های آشکار

این نوع از جنبش‌ها که نوعی از جنبش‌های سنتی محسوب می‌شوند، درواقع تداوم جنبش‌های

اجتماعی موجود در غرب هستند و فعالیت‌های آشکار و نظام‌مندی را انجام می‌دهند. افرادی که در این خرده جنبش‌ها نقش ایفا می‌کنند کاملاً آگاهانه وارد خرده جنبش شده‌اند و برای کسب اهداف مشخصی برنامه‌ریزی و تلاش می‌نمایند. به‌عنوان مثال جنبش‌های حمایت از حیوانات یا محیط‌زیست در این دسته از جنبش‌ها قرار می‌گیرند.

### ب: جنبش‌های پنهان

امروزه در جامعه ایرانی با جنبش‌های نیمه‌تمام متعددی مواجه هستیم که می‌توان آن‌ها را خرده‌جنبش‌های اجتماعی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد برآمده از جامعه ایرانی نامید که با توجه به گسترش ارتباطات در سال‌های اخیر بسیار گسترش یافته و رشد کرده‌اند. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های این خرده جنبش‌ها، غیررسمی و نا آشکار بودن آن‌ها است. اهمیت خرده جنبش‌های اجتماعی در جامعه ما از آن جهت است که در مسائل سیاسی و امنیتی کشور ورود فعالی پیدا می‌کنند و در فرایند خط‌مشی‌گذاری، اجرا و ارزیابی مسائل امنیتی و سیاسی تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر اهمیت پرداختن به این خرده جنبش‌ها از این جهت است که همگام با گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی، نقش‌آفرینی این جنبش‌ها نیز افزایش می‌یابد. جنبش‌های نسلی، باستان‌گرایی، عرفان‌های نوظهور، سبک‌های نوین عزاداری و... از جمله خرده جنبش‌های اجتماعی فعال در جامعه ایرانی هستند.

در جنبش‌های اجتماعی مدرن، ابزارهای ارتباط‌جمعی بسیار تأثیرگذار هستند. در این نوع از جنبش‌ها دیگر وجود رهبر واحد برای جنبش اهمیتی ندارد بلکه هر فرد که به‌صورت خواسته یا ناخواسته به جنبش اجتماعی پیوسته است، به‌صورت خودکار نقش متناسب با خویش را نیز در جنبش اجتماعی ایفا می‌کند. به این قابلیت جنبش‌های نوین اجتماعی، هوش جنبشی می‌گویند. در این فرایند افرادی که آن‌ها را نخبگان جنبشی می‌نامند، می‌توانند به مسیر مقاومت جنبش جهت داده و آن را هدایت نمایند که این نخبگان جنبشی ممکن است به‌صورت منسجم عمل کنند و یا حتی بدون شناخت یکدیگر، با یکدیگر همکاری نموده و جنبش را هدایت نمایند. به این خاصیت جنبش‌های نوین، خاصیت وجود رهبران موازی می‌گویند که در برابر رهبری واحد در جنبش‌های سنتی تعریف می‌شود.

### جنبش‌های اجتماعی و جامعه ایرانی

با توجه به رشد بالای جمعیت در چند دهه اخیر، افزایش تصاعدی جمعیت شهرها، پیشرفت‌های فناورانه و ارتباطاتی و تأثیر بسزای ابزارهای ارتباط‌جمعی بر زندگی شهروندان ایرانی، افزایش قشر متوسط شهری و جمعیت دانشجو و جوان در کشور و به‌طور خلاصه وجود شکاف‌های فرهنگی، قومی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه ایرانی (با خصلت‌های مخصوص به خود)، جنبش‌های اجتماعی مختلفی در ایران شکل گرفته‌اند که با جنبش‌های اجتماعی دیگر نقاط جهان شباهت‌ها و تفاوت‌های جدی دارند.

به‌عنوان مثال جنبش‌های اجتماعی در ایران تفاوت‌های اساسی با جنبش‌های اجتماعی در کشورهای اروپایی که حزبی هستند و متناسب با تمایزهای منسجم به وجود می‌آیند، دارد. در ایران جنبش‌های مختلف اجتماعی، اختلاط فضایی به وجود آورده‌اند و چهارچوب بررسی جنبش‌های اجتماعی در ایران متفاوت با اروپا است. آنچه با توجه به شرایط خاص جامعه ایرانی می‌توان گفت این مسئله است که جامعه ایرانی یک جامعه جنبشی است به این معنی که تعداد جنبش‌های نیمه شکل‌گرفته و ناتمام در آن بسیار زیاد هست (<http://npps.ir>)

(/ArticlePreview.aspx?id=۱۷۲۰۴۰) به نوعی که می‌تواند همه اعضای جامعه را درگیر نماید.

در جامعه ایرانی شاهد خرده جنبش‌های درهم‌تنیده‌ای هستیم که اغلب سازمان‌دهی و چهارچوب مشخصی ندارند و در چنین فضایی بروز حوادثی که بتواند در جامعه موج ایجاد نموده و خرده جنبش‌های اجتماعی را فعال کند بسیار مهم و حیاتی است. مرگ یک سیاستمدار یا هنرمند مطرح، بروز یک سانحه طبیعی و اتفاقات غیرقابل‌پیش‌بینی هرکدام می‌توانند خرده جنبش‌های اجتماعی را در جامعه ایرانی فعال نماید که غالب افرادی که در این خرده جنبش‌ها به‌صورت خواسته یا ناخواسته نقش ایفا می‌کنند، تنها می‌خواهند به‌نوعی اعتراض و مقاومت خود را نشان دهند و لزوماً فعالیت جنبشی خود را به‌صورت آگاهانه انجام نمی‌دهند! (۴)

با توجه به آموزه‌های فوق، ویژگی‌های قابل‌توجه خرده جنبش‌ها در جامعه ایرانی که منجر به ویژگی ناگهانی بودن این جنبش‌ها می‌شود عبارت‌اند از:

الف: پیش‌بینی‌ناپذیر هستند.

ب: به‌سختی می‌توان آن‌ها را کنترل کرد.

پیش‌بینی‌ناپذیری و مهارناپذیری خود از دو مسئله نشئت می‌گیرد. اولاً جنبش‌های اجتماعی در کشور ما پدیده قالب‌ریزی شده و ساختارمند نیستند که بدانیم دقیقاً با چه چیزی مواجه هستیم و ثانياً به دلیل بسط فضای ارتباطی و سهولت در ارتباط‌گیری از طریق فضای اینترنت و فضای مجازی، دسترسی گفتمانی بسیار زیاد شده است و این جنبش‌ها می‌توانند با اعضای خود و اعضای جامعه به‌راحتی ارتباط برقرار نمایند.

### انواع راهبردهای جنبش‌های اجتماعی

۱- نمادسازی: یکی از قابلیت‌های جنبش‌های اجتماعی نوین، استراتژیک کردن مسائل عادی جهت هویت بخشی به خود و تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. به‌عنوان مثال یک جنبش اجتماعی نوعی از پوشش خاص را به‌عنوان نماد خویش انتخاب می‌نماید که آن پوشش تا قبل از انتخاب توسط این جنبش اجتماعی، یک پوشش عادی بین شهروندان محسوب می‌شد.

۲- مصادره گفتمانی: این اقدام نیز به صورت دیگری، اقدام به نمادسازی برای پیش‌برد اهداف جنبش اجتماعی عمل می‌کند بدین‌صورت که مثلاً شخصیتی تاریخی، سیاسی، معنوی یا ... را به‌عنوان نماینده گفتمان خویش نشان می‌دهد و به‌اصطلاح به نفع خویش مصادره می‌کند درحالی‌که آن شخص ممکن است هیچ نسبتی با گفتمان جنبش موردنظر نداشته باشد.

۳- ابزار رسانه: به‌طور طبیعی همه حکومت‌ها سعی می‌کنند اطلاعات موجود در فضای جامعه را با توجه به گفتمان رسمی جامعه تنظیم نموده و کدگذاری کنند. جنبش‌های اجتماعی با استفاده از ابزارهای ارتباطی خود، در پی برهم‌زدن نظم رسانه‌ای و رسمی جامعه هستند تا تحلیل خاص خود را از حوادث و اطلاعات به مخاطبان مخابره کنند

۴- پیشروی آرام: در جنبش‌های اجتماعی نوین برخلاف جنبش‌های اجتماعی سنتی، لازمه ایفای نقش و اثرگذاری در جنبش اجتماعی حضور در یک ساختار مشخص و منسجم نیست بلکه فرد هم‌زمان با زندگی عادی خویش و تنها با دریافت و بازارسال مطالب در شبکه‌های اجتماعی و اموری از این قبیل که ممکن است در بسیاری از موارد ناآگاهانه نیز باشد، در راستای اهداف جنبش اجتماعی ایفای نقش می‌کند و این فرایند تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که یک فرهنگ و ارزش خاص آن‌قدر در میان اعضای یک بخش از جامعه جا بیافتد که مقابله با آن بسیار سخت، پرهزینه و در برخی اوقات غیرممکن باشد که به‌اصطلاح برخی متفکرین، در این صورت محاصره مدنی رخ می‌دهد.

۵- شبکه‌ای بودن: همان‌طور که اشاره شد، جنبش‌های مدرن اجتماعی رهبر یکسانی ندارند بلکه هوش جنبشی منجر به افقی بودن این جریان‌ها می‌شود که برخی این ویژگی جنبش‌های مدرن اجتماعی را تعدد رهبر و برخی دیگر بی‌رهبری آن می‌دانند. در جنبش‌های اجتماعی مدرن اعضای جنبش ممکن است حتی یکدیگر را نشناسند و کیلومترها باهم فاصله داشته باشند اما هرکسی متناسب با توانمندی‌های خویش به ایفای نقش و پیشبرد راهبردهای جنبش اجتماعی می‌پردازد.

۶- یادگیری و یاددهی: اعضای هر یک از جنبش‌های اجتماعی با استفاده از ابزار رسانه تجربیات و دانسته‌های خویش را در جهت پیشبرد اهداف جنبش به همدیگر و اعضای دیگر جنبش‌ها آموزش می‌دهند و از جنبش‌های دیگر نیز می‌آموزند.

### راهبردهای مدیریت جنبش‌های اجتماعی در کشور

- مقابله با انباشت مطالبات اقشار و افراد مختلف: با توجه به شرایط کشور و وجود مطالبات فراوان اقشار مختلف در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، لازم است مدیران ارشد و سیاست‌گذاران کشوری به مدیریت مطالبات مردمی بپردازند و از انباشت مطالبات اقشار مختلف مردم و گسترش بیش‌ازحد نارضایتی در جامعه جلوگیری نمایند. با توجه به خاصیت جنبشی جامعه ایرانی و ویژگی‌های آن، اگر مدیریت مناسب مطالبات مردمی صورت نگیرد، هر حادثه و اتفاق ناگهانی ممکن است به خرده جنبش‌های اجتماعی مخرب این فرصت را بدهد که در جذب و سازمان‌دهی توده‌های ناراضی مردم، به مدیریت خشم آنان پرداخته و خشم مردم معترض را در راستای اهداف خویش به کار بگیرند.
- مدیریت نخبگان اجتماعی و سیاسی: نخبگان سیاسی و اجتماعی کشور تأثیر بسیار زیادی بر جامعه جنبشی ایرانی داشته و می‌توانند در راستای تقویت یا تضعیف جنبش اجتماعی گام بردارند. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که نخبگان سیاسی یا اجتماعی برای افزایش محبوبیت یا استفاده از ظرفیت خرده جنبش‌ها در راستای اهداف خود، اقدام به انجام فعالیت‌ها و اظهار نظرهایی می‌نمایند که به قدرت یافتن خرده جنبش‌های مخرب منجر می‌گردد.
- مقابله با شدت یابی بحران‌های اجتماعی: وجود آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای یک امر ناگریز است که لازم است دولت‌ها به مبارزه با آن بپردازند اما زمانی که این آسیب‌ها کنترل نشوند و بحران‌های اجتماعی را به وجود آورند، بستر لازم برای استفاده از این بحران‌ها در جهت اهداف و منافع جنبش‌های اجتماعی مخرب فراهم می‌شود.
- مقابله با به وجود آمدن ادراک ضعف در حکومت میان افراد جامعه: یکی از اصلی‌ترین دلایل جذب افراد جامعه در جنبش‌های اجتماعی معاند و مخرب، ایجاد ادراک ضعف حکومت در تدبیر امور و مقابله با این خرده جنبش‌ها است. در واقع هنگامی که مردم یک جامعه احساس کنند که حکومتشان دچار ضعف شده و توان مدیریت امور را ندارد، به سمت جنبش‌های اجتماعی مخرب تمایل پیدا می‌کنند که نکته مهم در این باره، اهمیت مدیریت ادراک جامعه درباره توانایی حاکمیت است.
- تقویت نهاد انتخابات: یکی دیگر از راهبردهای مدیریت جنبش‌های اجتماعی مخرب، تقویت نهاد انتخابات در کشور است. با تقویت نهاد انتخابات، مردم و جنبش‌های اجتماعی برای بیان نظرات خویش در چهارچوب قانون

به نهاد انتخابات متوسل می‌شوند و از اقدامات هیجانی و خارج از چهارچوب قانونی پرهیز می‌نمایند. جنبش‌های مخرب نیز در این صورت امکان جذب توده‌های متکثر مردم را نخواهند داشت.

- اجازه اعتراضات در چهارچوب قانون به اقشار مختلف جامعه: ایجاد چهارچوبی برای بیان اعتراضات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز می‌تواند گامی در جهت نظام‌مند کردن و قانون‌مند کردن اعتراضات باشد و از بروز اقدامات هیجانی که توسط جنبش‌های اجتماعی مخرب هدایت می‌شوند، جلوگیری نماید.

### پی‌نوشت‌ها

- (۱) گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چ سوم، ص ۸۱
- (۲) دوز، روبرت و سیمون مارتین لیپیست، جامعه‌شناسی سیاسی، محمدحسین فرجاد، تهران، توس، ۱۳۷۳، ص ۴۳۰
- (۳) باید توجه شود که اعتراض جنبه آشکار دارد اما مقاومت جنبه پنهان داشته و حتی بعضاً ناآگاهانه بوده و فرد به صورت ناخودآگاه وارد عرصه مقاومت می‌شود. (مقاومت در نافرمانی مدنی شکل می‌گیرد.) و از طرفی مقاومت همه‌گیرتر و فراگیرتر از اعتراض است.
- (۴) می‌توان گفت در جامعه ایران توده‌ها جنبش‌ها را شکوفا می‌کنند به این معنا که هرکس بتواند توده‌ها را فعال نماید، می‌تواند جنبش را فعال کرده و در راستای هدف خویش به کار بگیرد.